آخر خط

النگوی نقره‌ای دور دستان سارق نقره‌فروشی

سهیل دیبا| مرد نقره‌فروش صبح اول وقت که وارد مغازه شد، متوجه به هم ریختگی مغازه‌اش شد و خیلی زود فهمید که سارقی اقدام به سرقت چندین کیلو نقره از مغازه‌اش کرده است. با اعلام موضوع به پلیس، بلافاصله مأموران انتظامی به محل اعزام شدند. با حضور دایره تجسس کلانتری شهید فیاض‌بخش در محل و در بررسی‌های اولیه مشخص شد مقدار ۳کیلوو۵۰۰گرم نقره عیار بالا به ارزش تقریبی ۵۰۰میلیون تومان از این کارگاه نقره‌سازی سرقت شده است. مأموران با بررسی دقیق محل جرم و آثار به‌جامانده، تحقیقات میدانی خود را آغاز و متهم را که جوانی بیست‌وشش ساله است، شناسایی و او را در مخفیگاهش دستگیر کردند. در بازرسی از محل، ۳کیلو و ۱۱۲گرم نقره مسروقه کشف شد. متهم پس از انتقال به مقر انتظامی به سرقت از کارگاه مدنظر اعتراف و اعلام کرد که مابقی نقره‌ها را به یک مال‌خر به مبلغ ۴۵۰میلیون ریال فروخته است. تحقیقات برای دستگیری مال‌خر ادامه دارد و متهم نیز پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

کوتاه‌تر از حادثه

مرگ ۲تبریزی در انفجار مواد محترقه

مشرق| دیروز در خیابان کوثر شرقی تبریز بر اثر انفجار مواد محترقه، یک زن و یک مرد جان باختند. محل وقوع انفجار که یک ساختمان بود نیز آسیب دید و موجب وحشت ساکنان این خیابان شد. در دو هفته اول اسفند امسال، شانزده نفر در استان آذربایجان شرقی بر اثر ترقه‌بازی و انفجار مواد محترقه مصدوم شده‌اند.

آتش‌سوزی در مرکز نظامی با یک شهید

ایلنا| ظهر پنجشنبه‌گذشته با اعلام حادثه آتش‌سوزی در یک مرکز نظامی تهران، با حضور امدادگران مشخص شد که حادثه در یک کانکس به وسعت پنجاه متر در این مرکز رخ داده و با توجه به بسته‌بودن تمام راه‌های خروجی و بسته‌بودن دروپنجره کانکس، انفجاری ناشی از حبس حرارتی و انباشت بخارات اشتعال‌زا رخ داده است. در این حادثه یک نفر از پرسنل این مرکز نظامی به شهادت رسید؛ همچنین ۱۰نفر از آتش‌نشانان به علت انفجار مصدوم شدند.

فروش داروهای فاسد به بیماران سرطانی

ایسنا| پلیس در شهرری با شناسایی یک کارگاه غیرمجاز در محدوده خاورشهر متوجه شد که افرادی با جمع‌آوری داروهای تاریخ‌مصرف‌گذشته، فاسد و کمیاب ویژه بیماران سرطانی، اقدام به بسته‌بندی جدید و فروش آن‌ها در بازار آزاد و فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای می‌کنند. با اعزام تیم بازرسی به محل، در بازرسی از این مکان، تعداد زیادی پوکه‌های آمپول‌های کمیاب، قرص‌های ویتامین تقلبی و... به همراه دستگاه‌های حک تاریخ تولید کشف شد. سه متهم در این پرونده دستگیر شدند و کارگاه مدنظر پلمب شد.

قاتل خاموش، همچنان بیدار

ایرنا| استنشاق گاز منوکسیدکربن در روستای کران از توابع شهرستان سیرجان موجب مرگ دو مرد شد. بررسی کارشناسان اورژانس در محل نشان داد که این افراد که دو مرد پنجاه و چهل‌وهشت ساله بوده‌اند، به دلیل نشت گاز از بخاری یا نقص در دودکش بخاری و رعایت‌نکردن نکات ایمنی دچار مسمومیت شدند و جان خود را از دست داده‌اند.

جهان حوادث

۱۰کشته در برخورد اتوبوس و کامیون

مهرا| بر اثر برخورد دو خودرو در استان فیری آفریقای جنوبی، ۱۰ نفر کشته شدند. این حادثه در جاده بین رودرزبورگ و اسمیتفیلد ساعت ۴:۲۰ بامداد به وقت محلی و بر اثر برخورد اتوبوس حامل ۳۵ مسافر و یک کامیون رخ داد. ۱۰ نفر شامل یک دختر دوساله، شش زن و سه مرد در صحنه جان باختند. رانندگان کامیون و اتوبوس از این تصادف جان سالم به در بردند. پنج مسافر با جراحات جدی به بیمارستان منتقل شدند.

سقوط اتوبوس برزیلی به دره با ۴۵ مسافر



ایلنا| سقوط اتوبوس حامل ۴۵ مسافر به دره‌ای در برزیل، منجر به‌کشته‌شدن یک نوجوان و زخمی‌شدن ۲۵ نفر شد. این حادثه زمانی رخ داد که اتوبوس از ریودوژانیرو به‌سمت سائوپائولو در حرکت بود. علت وقوع حادثه، اعلام نشده است.

کشف بمب منفجرنشده در راه‌آهن پاریس

یورونیوز| کشف یک بمب منفجرنشده مربوط به جنگ جهانی دوم در نزدیکی ریل‌های ایستگاه پرتردد «گر دو نور» در پایتخت فرانسه باعث شد که بامداد جمعه قطارهایی که از پاریس به دیگر نقاط این کشور حرکت می‌کنند، همچنین قطار «یوروواستار» که میان فرانسه و بریتانیا فعال است، دست از کار بکشند. این بمب حوالی ساعت ۴ بامداد توسط کارگرانی که زمین را در نزدیکی ریل‌های قطار می‌کندند، کشف شد. عملیات برای خنثی‌سازی و انتقال آن همچنان ادامه دارد.

۲جوان که آخر تابستان امسال مردی را نیمه‌شب کشته بودند، صحنه جرم را بازسازی کردند

آدم‌کشی پسرخاله‌ها برای هیچ!

سعید جلائیان

گزارش

بامداد ۱۶شهریور امسال، دو پسرخاله به همراه چند جوان دیگر، بزمی شیطانی به راه می‌اندازند. ساعت ۴ بامداد با خروج پنج نفر از میهمانان، این مراسم تمام می‌شود؛ با این حال پسرخاله‌ها یعنی «هادی. ح» و «ناصر. خ» معروف به «محمدکینیو»، انگار پیک آخرشان را با خون مرد میان سالی به نام «عباسعلی. ح» به هم زده بودند. این دو جوان که حالت طبیعی نداشتند، حوالی ساعت ۴ بامداد به درِ خانه عباسعلی می‌روند و سراغ «سجاد»، پسرش، را از او می‌گیرند. مرد میان سال در را باز می‌کند و چند لحظه بعد دو جوان با مرد درگیر می‌شوند. «محمدکینیو» با دسته چاقو ضرباتی به سر مرد می‌زند و او روی زمین می‌افتد و...؛ چهار روز پس از این درگیری مرد مصدوم در بیمارستان جان می‌بازد. با مرگ او، پرونده‌ای جنایی تشکیل می‌شود و قاضی وحید خاکشور، بازپرس ویژه قتل، رسیدگی به پرونده را برای دستگیری ضاربان آغاز می‌کند. این در حالی بود که متهمان چند ماه متواری بودند تا اینکه پس از ماه‌ها فرار، دستگیر و شش ماه پس از جنایت، صبح پنجشنبه‌گذشته برای بازسازی صحنه جنایت به محل بازگردانده شدند.

محمد می‌خواست مرحوم را بزند

«هادی. ح» به عنوان اولین متهم، شروع به تعریف وقایع آن شب کرد. او به سابقه اختلاف پسرخاله‌اش (محمد کینیو)، با مقتول اشاره کرد و گفت: محمد پسرخاله‌ام با مرحوم اختلاف داشت. آن‌ها حدود چهار ماه قبل از این اتفاق با هم دعوا کرده بودند؛ البته من سر یک موضوع دیگر با مقتول درگیر شدم. در هر صورت چند ماه از این ماجرا گذشته بود که بامداد ۱۶ شهریور، من و محمد به همراه پنج نفر دیگر از دوستانمان دور هم جمع شدیم. آنجا حین شرب خمر، من با سجاد، پسر مقتول، تماس گرفتم و حدود یک دقیقه با هم صحبت کردیم. بعد از صحبت ما، محمد در جمع به همه گفت: «من عباسعلی را می‌زنم. روی من اسلحه کشیده است. به سجاد و بچه‌هایش کاری ندارم، اما خودش را حتما می‌زنم.»

متهم ادامه داد: رفقایمان که رفتند، حوالی ساعت ۴ صبح بود که با محمد سوار پرایدش شدیم تا پیش سجاد برویم. ما با هم به سمت خانه مقتول رفتیم. وارد خیابان پورسینا که شدیم، نزدیک درِ خانه عباسعلی، یک پراید سفید پارک بود. محمد خودرو را وسط کوچه، کنار همان پراید، نگه داشت؛ جوری که درِ سمت من باز نمی‌شد. من نتوانستم از ماشین پیاده شوم، برای همین محمد پیاده شد و در خانه را چند بار کوبید. مرحوم از داخل حیاط سه بار پرسید: «کیه؟»، محمد جواب داد: «محمدم، عمو عباس بازکن.» مرحوم در را که بازکرد، محمد بلافاصله چندین ضربه با دسته چوبی چاقو به سرش زد. شش هفت ضربه زد و مرحوم یک کلمه هم نتوانست حرف بزند. او کاملا گیج شده بود، از بینی چپش خون می‌آمد. محمد، مرحوم را به طرف ماشین کشید. او به همان پراید سفیدی که آنجا بود، گیر کرد و روی زمین افتاد.

برداشتن انگشتر مرحوم

متهم با اشاره به ورودی خیابان، اضافه کرد: مرحوم روی زمین که افتاد، من دیدم یک پراید ۱۳۲ سفید رنگ، وارد خیابان شد. من چند بار محمد را صدا زدم؛ حتی داد زدم بیا برویم، اما او جواب نداد. وقتی دیدم خودروی پراید به ما نزدیک می‌شود، بلافاصله پریدم روی صندلی راننده و از در دیگر پیاده شدم. همان جا چشمم به انگشتری افتاد که پشت لاستیک عقب پراید بود. من آن را برداشتم. بعد هم دیدم مرحوم خرخر می‌کند. محمد راکه دستش و دسته چاقو خونی شده بود، کشیدم به سمت خودرو. من خودم پشت فرمان نشستم و او از سمت در سوار شد. از محمد پرسیدم: «با تیزی چاقو زدی؟»، گفت: «نمی‌دانم».

مرحوم فحش داد و زدمش

با اتمام اظهارات «هادی. ح»، «محمد کینیو» که جوانی سی و پنج ساله است، شروع به صحبت کرد. او درباره آن شب توضیح داد: عرق که خوردیم، من می‌خواستم به روستای خودمان بروم که هادی با من آمد و گفت من را پیش سجاد ببر. ساعت حدود ۴ صبح بود که رسیدیم. من با مرحوم مشکلی نداشتم؛ اما هادی با او به شدت مشکل داشت. چند ماه پیش که هادی در خانه مرحوم بود، تیراندازی هم شده بود. در هر صورت، آن شب وقتی رسیدیم، هوا داشت روشن می‌شد. من در زدم. چندین بار هم در زدم. عباسعلی آیفون را برنداشت؛ اما از داخل حیاط صدایش را شنیدم که گفت: «کیه؟»، من گفتم: «عموعباس، سجاد هست؟»، وقتی او در را بازکرد، دیدم فقط یک شلوارک پایش بود و لباس دیگری نداشت. دوباره گفتم: «عموعباس، سجاد هست؟»، گفت: «نه» و بعد داخل خودرو رانگاه کرد و پرسید: «با کی آمدی؟»، گفتم: «هادی». همین که نام پسرخاله‌ام را آوردم، او شروع به فحش دادن کرد.

هادی کف‌گرگی و زیرلنگی زد

محمد مدعی شد که آن روز چاقوی دسته چوبی به طول حدود بیست سی سانتی متر را که مختص ذبح گوسفند بوده، به همراه داشته است و به بازپرس جنایی گفت: عباسعلی که فحش داد، من با او درگیر شدم. سه ضربه با پشت چاقو به سرش زدم. او واکنشی نشان نداد. می‌خواست سمت هادی برود. هادی هم از در راننده پیاده شد و آن‌ها به هم رسیدند. عباسعلی می‌خواست به هادی مشت بزند، اما هادی جا خالی داد و یک کف‌گرگی به صورتش زد و زیرلنگی انداخت. عباسعلی با زیرلنگی، روی زمین افتاد و سرش به زمین خورد. بعد هادی روی سینه‌اش نشست و انگشترش را برداشت. بعد از آن گفت: «بشین بریم»، من نشستم توی ماشین و رفتیم. چاقو را همان شب روی داشبورد گذاشتم و بعدش نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد.

من آن شب خانه پدرم نبودم

در ادامه بازسازی صحنه قتل، سجاد، پسر مقتول که دو متهم مدعی بودند برای دیدن او به خانه مرحوم آمده‌اند، درباره ارتباطش با متهمان توضیح داد: آن شب، من خانه دیگرمان در همین منطقه پورسینا بودم. حوالی ساعت ۲ صبح بود که هادی به من زنگ زد. با لحن تندی گفت «تو همه جا نشستی گفتی ۲ میلیون تومان از حبیب پول می‌خوای؟» گفتم: «آره. پسرعمه‌ات اینجا بدهکار است و حساب داره.» او در پاسخ گفت: «عیب نداره. من حساب می‌کنم.» بعد هم قطع کرد. هادی یک ساعت بعد هم زنگ زده بود که من خواب بودم. حوالی ساعت ۵ صبح، زن داداشم با من تماس گرفت و گفت: «بیا بابا را زدند.» بعد متوجه شدم. همسایه‌ها به زن برادرم خبر داده بودند. ما با عجله آمدیم و دیدم پدرم روی زمین افتاده که با وسیله شخصی به بیمارستان بردیمش. در بیمارستان که بودم، هادی دوباره زنگ زد. شروع کرد به حال و احوال کردن. گفت: «بیا جای خانه ما، چرا صدات گرفته؟»، او می‌خواست آمار بگیرد. من هم که می‌دانستم، چیزی بروز ندادم. چند ساعت بعد از آن هم یک زن جوان با من تماس گرفت. گفت: «می‌دانم چطور پدرت را زدند و توضیحاتی داد»، این زن جوان را نمی‌شناختم؛ اما فکر می‌کنم با «محمدکینیو» در ارتباط بود.



عکس: محمدجواد ابوعطا | شهرآرا

حادثه داغ

کلاهبرداری مرد مرده از کسبه مشهد!

ابوعطا| پرونده عجیبی بود. از همه چیزش عجیب‌تر، هویت کلاهبردار بود؛ چون کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد در تلاش برای دستگیری متهم متوجه شدند که او یک سال قبل مرده است و خودش شش ماه بعد از فوتش چک کشیده و دست‌کسبه داده است و این‌گونه کارآگاهان متوجه شدند که به‌دنبال یک کلاهبردار مُرده‌اند.

ماجرای این کلاهبرداری از آنجا شروع شد که گزارش‌های متعددی ازسوی شهروندان به پلیس رسید و نشان داد فردی در ازای خرید کالا در مشهد اقدام به صدور چک کرده است، اما چک‌ها یکی پس از دیگری برگشت خورده‌اند و تلاش کسبه برای یافتن این فرد به نتیجه نرسیده است.

سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، بلافاصله گروهی از کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی مشهد را مأمور کرد تا پرده از راز این کلاهبرداری‌های سریالی بردارند.

کارآگاهان پرونده صدور چک‌های بلامحل را در دستور کار قرار دادند. در تحقیقات اولیه و بررسی اظهارات شاکیان مشخص شد چند فرد سودجو در اقدامی کاملا حرفه‌ای، با استفاده از دسته چک، اقدام به خرید‌های کلان انواع کالا و صدور چک بلامحل به مال‌باختگان کرده‌اند. کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی مشهد با بررسی دقیق نحوه واگذاری چک‌های فاقد اعتبار و تحقیقات از مال‌باخته‌ها که بیشتر اصناف معتبر و شرکت‌های تولیدی بودند، به اطلاعاتی از هویت متهم اصلی که با استفاده از مدارک یک شهروند متوفی اقدام به کلاهبرداری از شهروندان می‌کرد، دست یافتند. مأموران با تلاش بی‌وقفه و شبانه‌روزی، مخفیگاه متهم را شناسایی و در اقدامی ضربتی و غافلگیرانه او را به همراه همدستانش دستگیر کردند.

متهمان به پلیس آگاهی منتقل شدند و در بازجویی‌های فنی و رویارویی با ادله و مستندات پلیس و اظهارات چند نفر از مال‌باختگان، به کلاهبرداری از نوزده شهروند به مبلغ ۵۰میلیارد ریال اعتراف کردند. تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.



جدول ۴۲۴۵

